

بررسی مبانی و نحوه پرداخت خسارت در سبب مجمل از منظر فقه امامیه و حقوق

ایران^۱

دکتر محمد رسول آهنگران *

سید امیر دبیری **

محمد جواد علی نژاد ***

علمی - پژوهشی

چکیده

پژوهش حاضر با روش تحلیلی- توصیفی در این موضوع نگارش یافته که اگر اشخاص به طور مستقل اما همزمان اعمال مشابه انجام دادند و شخص ثالث در نتیجه اقدام یکی از آن‌ها متضرر شده و شناسایی عامل ممکن نبود، با توجه به ضرورت جبران خسارت، یافتن راهکار عادلانه و قانونی الزامی چیست؟ در این مسئله نظریات فقهی و حقوقی مختلفی مطرح شده مانند اینکه عده‌ای قائل به عدم مسئولیت اسباب مجمل و عدم جبران خسارت زیان بوده اما در مقابل، گروهی قائل به جبران خسارت زیان دیده و لزوم جبران خسارت وی از طریق بیت المال، بیمه یا صندوق‌های جبران خسارت هستند. برخی تعیین مسئول را از طریق قرعه دانسته و دیدگاه دیگر مسئولیت تمامی اسباب مجمل در برابر زیان‌دیده را به طور مساوی می‌دانند. برآیند مقاله اینکه هرچند نظریه جبران خسارت از بیت المال در مسئولیت مدنی دارای اشکالاتی بوده اما آن در فرض خسارات ناشی از اشخاص عادی در شرایط لوٹ در مورد دیه می‌باشد؛ اما مسئول شناختن تمامی اسباب مجمل به صورت مساوی در خصوص دیه جنایت بر نفس و اعضا در جایی است که عده‌ای محصور و مشخص باشند. چنانکه وفق ماده ۴۷۹ ق.م.ا، مسئولیت کیفری اسباب مجمل تساوی پرداخت دیه از سوی اسباب ذکر شده می‌باشد. اما در خصوص پرداخت دیه اگر ناشی از اقرار باشد، مسئولیت پرداخت هرکی از متهمان در خصوص اولیاء دم و مجنی علیه تضامنی است. و در غیر مورد اقرار قانون در این خصوص صراحتی ندارد. به نظر می‌رسد در خصوص غیر مورد خسارات ناشی از دیه که با اقرار باشد نیز و همچنین در خصوص خسارات مالی اسباب مجمل نیز بتوان قائل بر مسئولیت تضامنی در محصورین غیر معین بود. در جایی که محصور نباشد و جمعی معین نباشند نیز تبعاً چون از بیت المال پرداخت می‌شود مسئولیت تضامنی در مقابل ذیحق فاقد موضوعیت می‌باشد. پس نوع جبران خسارت اسباب مجمل چه در دیه و چه غیر دیه، در مقابل زیان دیده مسئولیت تضامنی است.

کلید واژه‌ها: سبب مجمل، مسئولیت مدنی، مسئولیت کیفری، فقه امامیه، حقوق ایران.

۱- تاریخ وصول: (۱۴۰۲/۰۹/۱۴) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۳/۰۴/۱۰)

* استاد، گروه فقه، دانشگاه پردیس فارابی، دانشگاه تهران، قم. ahangaran@ut.ac.ir

**دانش پژوه سطح ۴ فقه و اصول حوزه علمیه قم، ایران قم dabiriamir۱۳۲@gmail.com

***سطح چهار فقه و اصول حوزه علمیه قم، قم، ایران. alinezhadjavad۳۱۹@yahoo.com

مقدمه

یکی از دشوارترین و پیچیده‌ترین مباحث حقوقی در حوزه مسئولیت مدنی و همچنین مسئولیت جزایی اثبات رابطه سببیت است. برای شناسایی سبب معیارهای مختلفی ارائه شده است. حتی در معمولی‌ترین اتفاقات نیز نمی‌توان به راحتی سبب را یافت. این موضوع هنگامی سخت‌تر می‌گردد که سبب حادثه فعل یکی از افراد در میان جمعی خاص باشد. زیرا در این صورت از سویی این مقدار علم هست که رابطه سببیت به طور قطعی بین یکی از افراد این گروه با فرد خسارت دیده وجود دارد و از سوی دیگر نمی‌توان این سبب را تعیین کرد. در این حالت بر فرض اثبات سببیت، باید به موضوع چگونگی جبران خسارت نیز توجه کرد. با توجه به اهمیت و کارآمدی سبب و تسبیب، این مسأله در امور قضایی و قوانین ما نتوانسته تعریف دقیقی از سبب ارائه دهد و همین امر موجب شده تا برخی از حقوقدانان در تشخیص مصادیق تسبیب دچار مشکل شوند از این رو در اسباب نوظهوری که فقه به بررسی آنها پرداخته است به عرف مراجعه کنند. و این امر باعث شده تحقق عدالت قضایی با موانعی مواجه شود، مقاله حاضر با بررسی مبانی و شروط سبب مجمل می‌تواند راهکارهای جدیدی در این خصوص ارائه نماید که با بکارگیری این راهکارها، بر چالش‌های موضوع می‌توان فائق آمد.

در خصوص موضوع «مسئولیت مدنی سبب مجمل در فقه امامیه و حقوق ایران» برخی از افراد در لابلای کارهای تحقیقی، به آن اشاره مختصری کرده‌اند که به عنوان نمونه، به چند مورد از آنها در ذیل اشاره، سپس به وجه امتیاز پژوهش حاضر با آنها می‌پردازیم:

- شریعتی‌وزیری، فخری، (۱۳۹۷)، در پایان‌نامه «تحولات نظام حقوقی ایران در خصوص مسئولیت مدنی سبب مجمل» ضمن طرح و نقداهم نظریاتی که از سوی حقوقدانان در این خصوص ارائه شده، پرداخت خسارت زیان‌دیده را از طریق بیت المال به عدالت نزدیکتر دانسته است.

- صفایی، حسین (۱۳۹۸ش)، در مقاله «مسئولیت مدنی در فرض علم اجمالی به سبب (مطالعه تطبیقی)، معتقد است، با توجه به اینکه مسئولیت تضامنی در حقوق اسلام و ایران خلاف اصل ایت، پس راه حل بهتر تعیین مسئول به قرعه است.

- صفری، محسن (۱۳۸۹ش)، در مقاله «مسئولیت مدنی سبب مجمل»، از بین راههای متعدد برای تعیین خسارت کما اینکه در رویه قضائی فرانسه امروزه به مسئولیت تضامنی عمل می‌کند این روش را منصفانه دانسته است.

- قاسم‌زاده، مرتضی، (۱۳۹۷) در کتاب «الزام مسئولیت مدنی بدون قرارداد» در فصل سوم به موضوع مسئولیت مدنی سبب مجمل پرداخته است از نظر او و بر اساس نظام حقوقی رومی = ژرمنی نظریه مسئولیت تضامنی عاملین محتمل طرفداران بیشتری را با خود همراه کرده است.

- قدسی، ساسان، (۱۳۹۹)، پایان‌نامه ای با عنوان «مسئولیت مدنی سبب مجمل» چنین نتیجه گرفته که: در خصوص میزان مسئولیت هر یک از اسباب مجمل در قبال زیان‌دیده، مسئولیت به تساوی عادلانه‌تر است و در حقوق ایران بهتر از مسئولیت تضامنی قابلیت پذیرش دارد.

- کلاتری، عباس، سلیمانی، سعیده، (۱۳۹۶)، مقاله‌ای با عنوان «مسئولیت مدنی سبب مجمل با رویکردی بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲» در خصوص نحوه جبران خسارت، نظریه قرعه را بنا به اعتقادات شرعی و وحدت ملاک ماده ۳۱۵ قانون مجازات مصوب ۱۳۷۰ صحیح‌تر دانسته و پرداخت از بیت‌المال را خلاف اصل می‌داند.

- لطفی، اسدالله، (۱۳۹۷)، در کتاب «سلسله مباحث حقوقی مسئولیت مدنی» در فصل چهارم به تعیین سبب مسئول و راهکارهای ارائه شده از نظر حقوقدانان پرداخته و بیشتر به قاعده قرعه عنایت دارد و نظرات فقها را منعکس نموده است.

- قنبری، علیرضا - دینانی، عبدالرسول، (۱۴۰۲)، در مقاله «مبانی تعیین وجه التزام در حقوق ایران» به لزوم تعیین وجه التزام در اخذ خسارت تاکید کرده است.

- محسنی، حسن، مرادی نژاد رضا (۱۳۹۵ش)، در مقاله «مطالعه تطبیقی جبران زیان ناشی از سبب مجمل و ناشناس در مسئولیت مدنی» تلاش کرده اند راهی برای آشتی دادن رابطه سببیت با ضرورت حمایت از زیان‌دیده بیابند. در این راستا به نظریه تقصیر، و نظریه خطر و نظریه تضمین حقپرداخته و محاسن و معایب هر یک را معرفی نموده اند.

کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات مذکور بصورت جزئی مسئولیت مدنی سبب مجمل را بررسی نمودند و هیچ کدام از آنها راهکارهایی جامع در خصوص جبران خسارت در چنین شرایطی ارائه نمودند، در صورتی که تحقیق حاضر با استفاده از تبیین مبانی فقهی و حقوقی مسئولیت مدنی سبب مجمل به آراء و اقوال مطرح در خصوص نحوه جبران خسارت زیان دیده در شرایط مجمل پرداخته و نارسایی و معایب هر یک از اقوال را بررسی و در نهایت به ارائه نظریه‌ای جامع می‌پردازد که این نظریه در عصر حاضر می‌تواند راهگشای بسیاری از معضلات و چالش‌ها باشد.

قابل ذکر است که پژوهشهای انجام شده در خصوص اینست که اسباب مجمل چگونه مسئولیت دارند که ظاهراً در غیر مورد لوث که از بیت المال است، بالسویه می‌باشد. اما تفاوت دستاورد این پژوهش با سایرین ناظر بر این مسئله است که همانند اقرار بر جرایم توسط عده ای محصور که می‌توان به هریک از مسئولین مراجعه نمود، در تمامی جرایم که اسباب مجمل هستند میزان تأثیر هر یک مشخص نمی‌باشد، در ورود خسارت اسباب مجمل، مسئولیت هریک از اسباب در مقابل زیان دیده تضامنی است.

۱- مبانی فقهی مسئولیت در سبب مجمل

۱-۱- نظریه لاضرر

در قرآن کریم آمده است «لَا تُضَارَّ وَالِدَةُ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ»^۱ «نباید مادری به فرزندش ضرر برساند و نیز نباید پدری به فرزندش زیان برساند». در مفهوم آیه گفته اند: «مثلا مادر نمی تواند شیر به بچه اش ندهد و پدر نیز رزق فرزندش را قطع نماید»^۲. برخی معتقدند مفاد قاعده لاضرر نهی از ضرر زدن است^۳. برخی نیز معتقدند که نفی در حدیث به معنای ضرر غیر تدارک است؛ یعنی هر کس به دیگری ضرر بزند باید آن را تلافی و جبران کند^۴. برخی دیگر مفاد قاعده را نفی حکم ضرری می دانند^۵. برخی از فقها نیز مفاد حدیث را نفی حکم به لسان نفی موضوع می دانند؛ یعنی ضرر نفی شده نه حکم ضرری^۶.

در مورد اینکه آیا از قاعده لاضرر می توان مسئولیت مدنی استنباط کرد یا خیر اختلاف نظر وجود دارد. آیت الله بجنوردی می فرماید: «کسانی که مفاد قاعده را نفی ضرر جبران نشده یا نهی اضرار به غیر می دانند از این قاعده اثبات مسئولیت عامل زیان را استفاده می کنند؛ به این دلیل که اگر مقصود نفی ضرر جبران نشده یا نهی از اضرار باشد، تدارک ضرر از لوازم این نهی است، همان طور که در عرف نهی از پذیرش هبه بلاعوض کنایه است که هدیه را بلاعوض نگذارید و هر احسان را به احسان مقابل پاداش بدهید»^۷. به علاوه، نهی از امری بر حرمت بقای آن دلالت دارد و لازمه آن هم وجوب رفع ضرر است^۸.

اما کسانی که مفاد قاعده را نفی حکم ضرری می دانند بر دو دسته اند:

گروهی معتقدند از مفهوم قاعده، تنها نفی حکم به دست می آید و اثبات حکم؛ یعنی حکم به جبران ضرر از این قاعده به دست نمی آید^۹.

گروهی دیگر معتقدند حرمت اضرار و اثبات حکم از جمله حکم به جبران خسارت از خود قاعده لا ضرر نیز می توان به دست آورد و سپس بیان می کنند حکم عدمی (نفی ضرر) مستلزم احکام وجودی است؛ زیرا عدم ضمان چیزی که از منافع فوت شده است به معنی حرام بودن مطالبه و حرمت مخاصمه و تعرض است^{۱۰}.

^۱ بقره، ۲۳۳.

^۲ میرداداشی، مسئولیت مدنی موسسات عمومی در حقوق ایران و مصر، ۷۳.

^۳ اصفهانی، قاعده لا ضرر، ۲۸.

^۴ صدر، بحوث فی علم الأصول، ۴۶۰.

^۵ انصاری، کتاب المکاسب.

^۶ خراسانی، قاعده الضرر و الاجتهاد و التقليد، ۳۸۱.

^۷ بجنوردی، قواعد فقه، ۲۱۸.

^۸ مراغی، العناوین الفقهیه، ۳۱۰.

^۹ نراقی، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام، ۵۵.

قاعده لاضرر در صورتی که اثبات حکم کند؛ یعنی مستلزم جبران ضرر باشد می‌تواند مبنا و مستند برای مسئولیت مدنی در مسئله مورد بررسی باشد. نتیجه اینکه از الغای خصوصیت و تنقیح مناط میان احکام وجودی و عدمی می‌توان لزوم جبران خسارت را استفاده نمود و ارتکاز عقلی هم این است که عامل زیان باید زیان وارده را تلافی کند و فقها در این خصوص قائل به مسئولیت مدنی و جبران خسارت هستند و از آنجا که مسئولیت مستفاد از قاعده، مسئولیت مطلق است و ضرر ناشی از اسباب مجمل نیز از مصادیق این قاعده می‌باشد؛ بنابراین به دلالت این قاعده ضمان قهری عاملین یا اسباب زیان هر چند به نحو مجمل مشخص باشند؛ به دلیل ملازمه نفی یا نهی از ضرر با لزوم جبران خسارت، قهرا مسئول می‌باشند.

۲-۱- نظریه اتلاف

گفته شد قاعده لاضرر حکم می‌کند که در اسلام هیچ ضرر و اضراری وجود ندارد؛ پس کسی که با عمل خود منجر به ضرری به شخص دیگری شده است باید آن را جبران نماید. پس قاعده لاضرر می‌تواند مبنای مسئولیت مدنی کسی که باعث اتلاف مال دیگری شده است، هم واقع گردد.

نظریه اتلاف به استناد عبارت مشهور «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» شکل گرفته است. در اعتبار این قاعده برخی گفته اند اثبات اینکه ضمان موجب مسئولیت است نیاز به ادله ندارد؛ همین که وجوب و اجماع و نصوص حاکی از محترم بودن دارایی و عمل و خون مسلمان است و نباید مورد ضرر و زیان قرار گیرد برای دلالت قاعده کافی است.^۲ برخی از فقها هم تمسک به آن را قاعده عقلایی و بدیهی می‌دانند، برخی دیگر بیان می‌کنند اگر این مطلب را ضروری ندانیم قطعاً اجماع منقول و محصل در مورد آن دلالت دارد.^۳ به هر حال جمله فوق به صورت یک قاعده در آمده که در اتلاف اموال و ابدان هردو استفاده می‌شود؛ زیرا مفاد این قاعده این است که هر کس موجب خسارت به شخص دیگر، در مال، منافع، جان، آبرو، حیثیت و یا حق شود ضامن است و اختصاص به تلف مال ندارد؛ به همین دلیل فقها به اثبات ضمان در مواردی مانند اتلاف مال، حقوق، منافع، قتل نفس، جراحت و مانند آن به این قاعده استناد کرده اند.^۴

۳-۱- نظریه تسبیب

بر اساس این نظریه، هر کس سبب خسارت یا تلف مال دیگری شود ضامن است. در این نظریه اثبات رابطه سببیت و در نتیجه اسناد فعل به عامل زیان اهمیت ویژه ای دارد و با اثبات این مسئله که ضرر وارده در

^۱ انصاری، کتاب المکاسب، ۳۷۳

^۲ مراغی، العناوین الفقهیه، ۲۳۴

^۳ نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ۴۶

^۴ مراغی، العناوین الفقهیه، ۲۵۶

اثر عمل فاعل زیان به وجود آمده، می‌توان الزام افراد را به جبران خسارت خواستار شد برخی چنین قاعده‌ای را از روایات پراکنده قابل اصطیاد نمی‌دانند و معتقدند موجب مسئولیت مدنی، اتلاف است نه تسبیب^۱. برخی از فقها ضمن تصدیق منشأ اتلاف برای ضمان، صرفاً «تحقق عرفی اتلاف» را مبنای مسئولیت قرار داده‌اند^۲. البته برخی از فقها نیز قاعده تسبیب را قاعده‌ای مستقل تلقی نموده‌اند^۳.

در تسبیب فعل موجب ضرر و خسارت هم مثبت (ایجابی) و هم منفی (سلبی) است. در تسبیب ایجابی در واقع عامل با انجام اعمالی همچون قراردادن سنگ، ایجاد شیب لغزنده و لغزنده کردن گذرگاه زمینه اتلاف را به وجود می‌آورد. اما در تسبیب سلبی با ترک عملی که از اتلاف جلوگیری می‌کند زمینه اتلاف را به وجود می‌آورد^۴.

به نظر می‌رسد در صورتی که مبنای مسئولیت مدنی را در باب اتلاف و تسبیب استناد عرفی خسارت به سبب بدانیم همین که بتوان وقوع خسارت را به شخص یا گروهی نسبت داد برای ضمانت کافی است و از نظر عرف وضع عامل زیان از جهت اجمال یا تفصیل فرقی ندارد، باید جبران خسارت صورت گیرد؛ هرچند که عامل زیان بین گروه محصور اجمالاً معلوم باشد.

۲- مبنای حقوقی مسئولیت در سبب مجمل

در علم حقوق مبنای مسئولیت مدنی سبب مجمل موضوع نظرات متعددی قرار گرفته است در ذیل به بیان برخی از این مبانی مطرح شده در حقوق موضوعه و بررسی آن در حقوق ایران پرداخته خواهد شد.

۱-۲- اماره مسئولیت

اماره مسئولیت بدین معنا است که با در نظر گرفتن این حقیقت که یقیناً یکی از اعضای گروه خاصی سبب حادثه زیان بار بوده و رابطه سببیت هم به اثبات رسیده است، در حقیقت هر کدام از اسباب مجمل با مداخله در گروه خاصی، سبب تضعیف احراز رابطه سببیت شده است؛ در نتیجه با گذاشتن بخشی از بار اثبات بر دوش خواندگان محتمل است که هر یک از آنان بتوانند ثابت کنند که خودشان سبب نبوده‌اند و از مسئولیت معاف گردد و اگر هم امکان اثبات نداشته نباشد او را مسئول خواهند شناخت. به این ترتیب بار اثبات بر دوش خواندگان قرار می‌گیرد؛ زیرا درباره عمل کدام احتمال معقولی وجود دارد.

برخی حقوقدانان علت تمسک به این اماره را این گونه بیان می‌کنند که «هر یک از خواندگان در

^۱ نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام

^۲ مراغی، العناوین الفقہیہ، ۳۱۵

^۳ بجنوردی، قواعد فقه، ۳۸

^۴ میرداداشی، مسئولیت مدنی موسسات عمومی در حقوق ایران و مصر، ۷۳

ارتکاب فعل زیانبار مسئول می‌باشند، مگر اینکه خلاف آن را بتوانند اثبات کند و دلیل آن را توزیع منصفانه بار اثبات دعوی می‌دانند؛ خواهان اثبات کرده است که مثلاً جمع شکارچیان به او ضرر زده‌اند و این دلیل برای مسئولیت خواندگان اگر تنها بودند کافی به نظر می‌رسید»^۱.

از این علم اجمالی که در اینجا وجود دارد و نیز معتبر است نباید چشم پوشی کرد بنابر این هر یک از اعضای این گروه خاص و محدود مسئول هستند مگر اینکه عکس آن ثابت شود؛ بدین معنی که هر خواننده بتواند دلیل عدم دخالت خود را در وقوع ضرر و زیان ثابت کند^۲.

اما با این وجود باید بیان کرد این اماره نه دارای جنبه قانونی است و نه جنبه قضایی و نمی‌توان آن را برای جبران خسارت دلیل موجهی به حساب آورد؛ زیرا احتمال دارد همه اعضاء مسئول باشند و برای احراز دلیل مخالف امکان قانونی موجود نیست. در عین حال، در این نظریه مواجه با نوعی دور می‌باشیم چرا که از یک طرف اماره مسئولیت را می‌پذیریم تا مسئولیت اثبات ادعا میان خواندگان به طور عادلانه تقسیم گردد و از طرف دیگر تقسیم عادلانه را امری ضروری و وجدانی تلقی می‌کنیم تا قادر به اثبات اعتبار اماره مسئولیت باشیم^۳.

۲-۲- شخصیت حقوقی

یکی از فرضیه‌هایی که سرانجام منجر به مسئولیت افراد گروه هدف می‌گردد فرض شخصیت حقوقی است. حامیان این فرضیه کوشیده‌اند که پایه واقعی حکم را به بسط معنای شخصیت حقوقی ربط دهند و اجتماعی را که از منظر جامعه شناسی محقق شده است مقبول دنیای حقوق نیز باشد.

حقوقدانان در توصیف شخص حقوقی بیان کرده‌اند: «شخص حقوقی هنگامی به وجود می‌آید که دسته‌هایی از افراد که دارای منافع و فعالیت مشترک هستند یا پاره‌هایی از اموال که به اهداف خاصی اختصاص داده شده‌اند در کنار هم قرار بگیرند و قانون آنها را طرف حق و تکلیف بشناسد و برای آنها شخصیت مستقلی قائل گردد؛ بنابراین هر مجموعه‌ای از افراد را نمی‌توان به صرف در کنار هم بودن شخصیت حقوقی نامید برای ایجاد شخصیت حقوقی باید شرایط خاصی موجود باشد معمولاً قصد و اراده تشکیل شخص حقوقی و هدف دار بودن گروه به عنوان شروط اساسی ذکر می‌شوند»^۴.

فی الواقع وجود شخصیت حقوقی هنگامی که سبب مجمل است از این جهت موجه می‌گردد که این گروه با نیتی مشترک به اقدامی جمعی دست بزنند، گویی یک شخصیت حقوقی واحد را تشکیل داده‌اند

^۱ کاتوزیان، تقریرات درس مسئولیت مدنی تطبیقی، ۲۱

^۲ کاتوزیان، تقریرات درس مسئولیت مدنی تطبیقی، ۲۲

^۳ صفری، «مسئولیت مدنی سبب مجمل»، ۷۷.

^۴ صفایی و قاسم زاده، حقوق مدنی/شخص و محجورین، ۱۳۷

همچون شکارگرانی که با هم به شکار می‌روند.

۳-۲- تقصیر گروهی

نظریه تقصیر گروهی به این معنا است که سبب در میان جمعی است که همگی مرتکب یک اشتباه مشترک شده‌اند و در قبال این اشتباه مسئول هستند. طبق رویه قضایی فرانسه شرکت در جمعی که در آن خطایی صورت گرفته در حکم ارتکاب جرم مشترک است و لذا رای را در حالتی صادر می‌کند که تعدادی باهم مرتکب تقصیری شده باشند چرا که تمام اعضای گروه، محیط خطرناکی را ایجاد کرده‌اند.

به نظر می‌رسد راه حل بیان شده در مثال این است که اگر شکار موجب ارتکاب جرم دسته جمعی باشد معلول این تقصیر جمعی و قبلی به شمار می‌آید که محیطی پرخطر را ایجاد کرده است. به علاوه در موردی که اطفال به بازی ممنوع و پرخطری همچون تیراندازی و ترقه بازی پرداخته‌اند؛ اشتباه بین کلیه اعضای گروه مشترک بوده و محیط پرخطر هم حاصل از همین اشتباه بوده است.

توجه شود که این نظریه نیز مورد انتقاد واقع شده؛ چرا که در اغلب موارد جرمی صورت نگرفته و لزوم وجود جرم برای توسل به این نظریه برای خسارت دیده کار را مشکل می‌کند.^۱

این نظراتی که درجهت جبران ضرر ناعادلانه بیان شد پشتوانه شایسته‌ای برای حامیان فرضیه تضمین حق می‌باشد که به سهم جرم و مجازات مرتکب کاری ندارند و سعی می‌کنند برای تضمین حق مورد پشتیبانی، مسئولیت مدنی را به عنوان مبنا معرفی کنند.

در مسئولیت مدنی ما اصل، مستند به ماده یک قانون مسئولیت مدنی مسئولیت بر تقصیر مبتنی است.^۲ بدین معنا که مبنا تقصیر است. به نظر می‌رسد که در مسئله مورد بررسی مبنای تقصیر مشترک وجود دارد و اشکالی ندارد که به آن استناد داده شود.

۳- نحوه جبران خسارت زیان دیده در سبب مجمل

چگونگی جبران خسارت در سبب مجمل، مهم‌ترین مبحثی است که فقها و حقوقدانان در این خصوص اختلاف نظرهای زیادی داشته‌اند. برخی از آنان، مسئولیت تمام افراد دخیل را مساوی می‌دانند و برخی از آنها قائل به جبران به وسیله قرعه، بیت‌المال هستند در اینجا به بررسی نظریه‌های مذکور پرداخته، سپس به نقد و ارائه نظریه کارآمد خواهیم پرداخت.

^۱ محسنی و مرادی نژاد، «مطالعه تطبیقی راهکارهای جبران زیان ناشی از سبب مجمل و ناشناس در مسئولیت مدنی»، ۲۹۹.
^۲ این ماده بیان می‌کند: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتی یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد»

۱-۳- جبران خسارت توسط کلیه افراد داخل در گروه

دو دیدگاه در مورد نحوه توزیع و تقسیم خسارت وجود دارد. دیدگاه اول مسئولیت تضامنی همه اسباب خسارت و دیدگاه دوم تقسیم مسئولیت به طور مساوی میان اسباب خسارت است که به بررسی این دو دیدگاه می‌پردازیم.

۱-۳-۱- مسئولیت تساوی تمام افراد داخل در گروه

مطابق برخی از مواد قانون مجازات اسلامی که اشاره به مصادیقی از سبب مجمل دارند به گونه‌ای امکان اثبات تساوی وجود دارد. در واقع می‌توان گفت «وقتی خسارت ناشی از کار دسته جمعی چندین سبب متفاوت باشد به طوری که نتوان گفت خسارت ناشی از فعل یا ترک فعل کدام عامل خسارت است، تقسیم خسارت و گذاشتن خسارت و مسئولیت جبران هر قسمت آن بر ذمه یکی از اسباب توجیه منطقی است»؛ به اعتقاد گروهی از فقهای امامیه نیز در فرض علم اجمالی به سبب در جنایت، برابری اسباب در جبران خسارت مناسب تر است.^۱ به علاوه بعضی از محاکم در زمینه نحوه تقسیم خسارت بر مبنای تقسیم مسئولیت به مساوات میان عاملان ضرر رای صادر کرده‌اند.^۲

۲-۱-۳- مسئولیت تضامنی افراد داخل در گروه

یکی از راه‌های توزیع خسارت، مسئولیت تضامنی همه اعضای گروه است. بر این اساس تمامی اعضای گروه در برابر خسارت دیده مسئول کل خسارت وارد شده هستند و خسارت دیده این حق را دارد که به هر یک از آنها رجوع کند، در روابط بین مسئولان می‌توان هر یک از شیوه‌های ذکر شده را به کار برد؛ به بیان دیگر لازم است برای کلیه کسانی که وارد کننده خسارت، عضوی از گروهشان بوده، مسئولیت تضامنی قائل شد. به اعتقاد برخی از حقوقدانان ایران، افراد در وارد کردن خسارت زدن مسئولیت تضامنی دارند، با این برهان که خواندگان متعدد با هم خسارت زده اند و چنین مسئولیتی قابلیت تقسیم ندارد؛ و در تصدیق نظریه خود به مواد قانونی همچون مواد (۳۱۶ و ۳۲۷) قانون مدنی که به مسئولیت تضامنی غاصب می‌پردازد و ماده چهارده قانون مسئولیت مدنی که می‌گوید «هرگاه چند نفر مجتمعاً زبانی را وارد سازند، متضامن مسئول جبران خسارت می‌باشند و استفاده از وحدت ملاک این ماده و سرایت به موارد مشابه، استناد کرده اند». به نظر می‌رسد نتایج این نظریه اگرچه برای جبران خسارت و ممانعت از هرج و مرج حقوقی مفید است

^۱ عاملی، القواعد و الفوائد، ۸۹

^۲ چنان که شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور در مقام نقض دادنامه دادگاه بدوی در رأی شماره ۴۱۷/۱۱ مستفاد از ماده ۱۰ قانون قصاص و مواد «۳۸» الی «۴۰» قانون دیات مصوب ۱۳۶۱ درباره اشتراک در جنایت اظهار داشته اند دیه باید با السویه بین متهمین تقسیم شود. باز گیر یدالله، قانون در آیین دیوان عالی کشور، نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۱

و حتی می‌تواند برای خسارت دیده منعت داشته باشد، اگرچه با این وجود توسل به این شیوه در همه اقسام آن امکان‌پذیر نیست و در حقیقت تضامن تنها زمانی معنا می‌یابد که کلیه اعضای گروه با یکدیگر در ارتکاب تقصیر همراهی کرده باشند لذا در مواردی فقط یکی از افراد گروه مقصر است به کار نمی‌رود. به علاوه در فقه اسلامی اساس تضامن خلاف اصل است و حالت‌هایی هم که در آنها مسئولیت تضامنی مورد قبول واقع شده، حالات استثنا هستند که بر علت‌های خاصی مبتنی می‌باشند و در موارد خاص نمی‌توان حکم کلی با استقراء را نتیجه گرفت.

۲-۳- جبران خسارت توسط بیت‌المال، بیمه و صندوق جبران خسارت

پرداخت خسارت از بیت المال یا بودجه عمومی یکی از شیوه‌های قابل پیش‌بینی برای حل مسئله مذکور است. به عنوان مثال، در صورت پیدا شدن جسد شخصی در خیابان و عدم وجود هیچ گونه ادله قطعی یا مشکوکی بر انتساب کشتن، به شخص یا اشخاص و یا در حالتی که فرد به دلیل ازدحام جمعیت کشته شده و بر انتساب کشتن او به فرد یا گروهی قرائن ظنی نباشد، پرداخت دیه از بیت المال است.^۱ در این زمینه می‌توان ملاک ماده ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که جانشین ماده ۲۵۵ قانون مجازات اسلامی سابق شده است را نیز به کار برد. در ماده ۲۵۵ آمده است: «اگر شخصی به قتل برسد و قاتل شناخته نشود و یا بر اثر ازدحام کشته شود دیه از بیت المال پرداخت می‌گردد، در این مورد اداره حقوقی قوه قضائیه مصادیق مذکور در این ماده (کشته شدن در اثر ازدحام یا پیدا شدن مقتول در شارع عام) را تنها دو مصداق از مصادیق مختلف پرداخت دیه از بیت المال می‌دانست»^۲. حکم مقرر در ماده ۴۸۷، در تضاد با حکم ماده ۲۵۵ عام است و در هر صورت اگر انسانی کشته شود و قاتل او پیدا نشود یا فرد در اثر ازدحام تلف شود، پرداخت دیه از بیت المال صورت می‌گیرد.

برخی از فقها معتقدند «حتی در موارد مصرح نیز پرداخت دیه همیشه از بیت المال صورت نمی‌گیرد و پرداخت دیه از بیت المال را مختص موردی می‌دانند که امکان پرداخت دیه از هیچ طریق دیگری فراهم نباشد». اصل از دیدگاه این گروه از فقها به عدم مسئولیت بیت المال است و برای تصدیق نظر خود به روایتی استناد می‌کنند که براساس آن امام (ع) در فرضی که احتمال داشت شخص توسط یکی از گروه شناگران غرق شده باشد دیه شخص غریق در آب را بر شناگران همراهش قرار داد.^۳

به نظر می‌رسد براساس قانونی که آخرین بار در سال ۱۳۹۲ تصویب شد و در آن مواد بسیاری به

^۱ موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ۵۲۸

^۲ میرمحمد صادقی، جرائم علیه اشخاص، ۲۶۴

^۳ حسینی شیرازی، الفقه، ۱۶۸

پرداخت خسارت از بیت المال اختصاص داده شده می‌توان گفت با پرداخت از بیت المال خسارت با سهولت بیشتری قابل جبران است در عین حال که مسئولیت بیت المال مبتنی بر هر اصلی که باشد، با تفکر عدالت توزیعی و پشتیبانی از حقوق خسارت دیده و احترام به جسم و جان انسان سازگار و قابل تصدیق است اما باید گفت راه حلی که بیان کرده است در خصوص خسارتهای بدنی است و چون پرداخت از بیت المال خلاف اصل است، این راهکار را نمی‌توان به خسارات مادی تسری داد که در این صورت باید به دنبال روش‌های دیگر بود.

۳-۳- توزیع خسارت

طرفداران این نظریه، با استناد به قاعده عدل و انصاف به توجیه نظر خود پرداخته‌اند. معنای قاعده عدل و انصاف «توزیع اموال و به طور کلی حقوق مشتبّه به نحو منصفه بین مدعیان است، در حالتی که اماره‌ای برای تعیین صاحب واقعی حق وجود نداشته باشد. در حقیقت جمع حقوق مقتضی این قاعده است، چون دادن حق به یکی از طرفین ترجیح بلا مرجح بوده و رها کردن هر دو نیز موجب هدر رفتن حقوق است پس مقتضی، جمع بین طرفین شبهه است که همان تنصیف می‌باشد^۱.

هشام بن سالم از امام صادق (ع) که درباره میراث خنثی فرمودند: «اگر نشانه مردانگی و زنانگی در وی به صورت مساوی است، ارث مردان و زنان را می‌برد»^۲.

معنای صحیح این است که نصف میراث زن و نصف میراث مرد را به خنثی می‌دهند، این تنصیف بر اساس قاعده عدل و انصاف است که بر تعدیل و تنصیف به نسبت میراث مشتبّه‌ی که در آن تردید است، دلالت می‌کند؛

در فرض اسباب مجمل در قتل، جمعی از فقها پس از طرح یکسان سازی جبران خسارت، حکم توزیع دیه را صادر کرده‌اند. به عنوان مثال آیت الله مکارم شیرازی به این سوال که «چنانچه در اثر تیراندازی همزمان چند شخص، فردی کشته شود و نتوان ثابت نمود که تیر کدام یک به مقتول اصابت نموده تکلیف چیست؟» چنین پاسخ داده‌اند «چنان چه ثابت شود که به واسطه یکی از آنها این شخص کشته شده و راهی برای تعیین قاتل نباشد، دیه در بین آنها تقسیم می‌شود». آیت الله گلپایگانی به همین نظر قائل شده‌اند، ایشان در پاسخ به استفتائی در این مورد فرموده‌اند «با علم اجمالی به ارتکاب قتل توسط یکی از دو نفر، اولیاء دم مقتول می‌توانند هر دو نفر را قسم بدهند، پس اگر هر دو قسم بخورند بر عدم قتل یا هیچ یک قسم

^۱ جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ۱۰۸۶

^۲ حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ۲۸۵

نخورند، باید دیه را مشترکا به ورثه مقتول بدهند»^۱. همچنین یکی دیگر از فقها پس از بیان مسئله اسباب مجمل در کتاب قصاص سؤالی طرح می‌کند؛ «آیا باید به دلیل اصل عدم، اسباب مجمل را تبرئه کرد یا بر اساس قاعده عدل و انصاف، دیه را توزیع کرد و یا به وسیله قرعه مسئول را تعیین کرد؟» سپس خود، عدل و انصاف را برگزیده‌اند؛ با این برهان که با وجود عدل و انصاف، دیگر توسل به قرعه و اصل عدم نیاز نیست؛ چرا که قرعه مورد قبول مشهور فقها نیست و از دیگر سو اصل در جایی که دلیل نباشد واقع است و بعد در عین حال که نظریه پرداخت خسارت از بیت المال را رد می‌کنند آن را مخصوص جایی می‌داند که پرداخت دیه به هیچ وجه امکان‌پذیر نیست^۲.

اگر چه به لحاظ قوانین موضوعه نیز تکلیف قضیه به طور واضح بیان نشده اما شاید از روح کلی مقررات بتوان به این نتیجه دست یافت که در چنین مواردی نظر تقدم نصفت و عدالت بر قرعه بوده است. با در نظر گرفتن این موضوع که پاره‌ای از مواد قانونی که به آنها تمسک می‌جوئیم در قانون مجازات اسلامی مورد توجه قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال در بند ج ماده ۷۱۶ قانون مجازات اسلامی آمده است که: «دیه جنین که روح در آن دمیده شده است اگر پسر باشد، دیه کامل و اگر دختر باشد نصف آن و اگر مشتبّه باشد سه چهارم دیه کامل» که این یعنی نیمی از مجموع دیه یک پسر و دختر. علاوه بر این در ماده ۹۳۹ قانون مدنی در خصوص سهم الارث خنثای مشکل آمده است که «به آن نیمی از مجموع سهم الارث یک پسر و دختر از طبقه خود تعلق می‌گیرد». مضاف بر مواردی که عنوان گردید با تکیه بر ماده ۳۳۲ قانون مدنی که طبق آن رابطه سببیت یک رابطه عرفی است و همچنین به لحاظ تقصیر جمعی عاملین زیان می‌توان تقسیم مسئولیت را توجیه نمود؛ به گونه‌ای که سبب خسارت و زیان نیت مشترک عاملان ضرر بوده و همگی به دنبال ایجاد خسارت بوده‌اند؛ در نتیجه حکم به مسئولیت تمام افراد جمع داده می‌شود.

۴-۳- جبران خسارت به وسیله قرعه

در وضعیت دوران بین محذورین که امکان احتیاط وجود ندارد و مسأله سبب مجمل نیز که مصداقی از آن است، بر مبنای توسل به اصول عملیه چاره‌ای جز انتخاب یکی از اسباب مجمل به عنوان مسئول جبران خسارت وجود ندارد. برگزیدن یک طرف که هیچ برتری بر طرف دیگر ندارد یا باید با اختیار و انتخاب صورت گیرد یا موضوع به قرعه و شانس و اقبال واگذار گردد. چنانچه این انتخاب با اراده صورت گیرد شبهه جانبداری مطرح خواهد شد که همواره دامن حق‌گزاران را باید از این اتهام زدود. بنابراین راهی جز قرعه‌کشی باقی

^۱ کرمی، مجموعه استفتانات فقهی و نظریات اداره حقوقی راجع به قتل، ۹۲.

^۲ حسینی شیرازی، الفقه، ۱۶۸.

نمی‌ماند.^۱

چون دعوایی مطرح شده است و در تشخیص حق مورد نزاع نمی‌توان به وسیله هیچ یک از قواعد حقوقی، عقلی و عرفی راه‌حلی پیدا کرد آخرین علاج رفع مشکل برای فصل خصومت توسل به قرعه است و حاکم از طریق قرعه نسبت به رفع خصومت اقدام می‌کند.^۲ در حقیقت قاعده قرعه یکی از راه‌ها برای خروج از بن بست در مسئله مورد بررسی است که سازگار با حقوق اسلامی هم هست. این قاعده از قواعد مهم فقهی و حقوقی است که در وضع قوانین و مجتهدان در استنباط احکام فقهی و قضات در مقام دادرسی بسیار به آن عمل می‌کنند بر این اساس، قاضی باید برای جبران خسارتی که به طور قطعی و بر مبنای علم اجمالی واجب است که انجام شود، به حکم قرعه یک نفر را ملزم به جبران خسارت نماید. تعیین مسئول از طریق قرعه چیزی جز انجام وظیفه فصل خصومت توسط حاکم نیست. برخی از حقوقدانان نیز قرعه را راه‌حل مسأله سبب مجمل در حقوق ایران می‌دانند.^۳ استناد به قرعه علاوه بر مبنای عقلایی، متکی به مبنای روایی نیز می‌باشد. قرعه به عنوان آخرین راه‌حل برای موضوعی مجهول مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین اگر بتوان راه دیگری برای حل مسأله سبب مجمل پیدا کرد امکان استناد به قرعه ممکن نخواهد بود. به نظر این راه‌حل وجود دارد. در اصطلاح فقهی، قرعه عبارت است از: «روشی که برای رفع تردید و تحیر و امکان تصمیم در جایی که ترجیحی در بین نباشد به کار برده می‌شود».^۴ در قرآن کلمه قرعه به معنای اصطلاحی فقهی آن به کار برده نشده ولی مترادف آن یعنی «مسامحه» به کار رفته است.^۵ همچنین قرعه از لحاظ اصطلاح حقوقی عبارت است از صفحاتی از کاغذ یا غیر آن که بر روی هر یک اسم یا علامتی می‌نهند و برای رفع خصومت و تعیین حق در مواردی که قانون اجازه کرده به آن متوسل می‌شوند.

۵-۳- تخییر قاضی

برخی به تخییر قاضی در الزام هر یک از اسباب مجمل معتقدند؛ زیرا به عقیده آنها موضوع از مصادیق دوران امر بین محذورهای متعدد است که مجرای اصل عملی تغییر می‌باشد. در این قسمت نحوه استدلال این گروه بیان خواهد شد.

قائلین به این نظر با تمسک به اصول عملیه ای از جمله اصل تخییر و با توجه به ولایت حاکم شرع در

^۱ زراعت، «قاعده قرعه»، ۹۸

^۲ موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ۴۱۳

^۳ صفایی، «مسئولیت مدنی در فرض علم اجمالی به سبب (مطالعه تطبیقی)»، ۴۶.

^۴ محمدی، قواعد فقه، ۹۵

^۵ مصدر ساهم از ریشه سهم به معنی تیر. صافات / ۱۴۱

^۶ جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ۵۴۱

فقه درنهایت به این نتیجه رسیده اند که تعیین تکلیف نهایی در مسئله ضمان سبب مجمل باید به قاضی و حاکم شرع واگذار شود. در نتیجه اگر قاضی قادر به دعوت طرفین به مصالحه نباشد، می‌تواند از باب ولایت شرعی خود، حکم به توزیع خسارت میان وارد کنندگان خسارت بدهد؛ به این صورت که برای رفع خصومت مخیر است هر فرد را به نسبتی مساوی مسئول جبران بداند.^۱ برخی از فقها نیز بر این باورند که در این گونه موارد حاکم از جهت ولایتی که دارد قادر به دخل و تصرف است. به تعبیر ایشان فقها در امثال این موارد مذکور به عمومیت ادله ای که به ولایت حاکم شرع دلالت دارد، استناد می‌کنند.^۲

در موضوع مورد بررسی نیز اخذ خسارت از افراد مورد ظن می‌تواند از جمله اقدامات حاکم شرع در اعمال حکم ضرورت جبران خسارت باشد؛ به این ترتیب در موضوع ضمان سبب مجمل نیز تکلیف غایی بایستی به قاضی و حاکم شرع تفویض گردد که در صورت پیدا نکردن راه حل حقوقی یا فقهی بهتر، می‌توان از این راه حل استفاده نمود.^۳

این راه حل قابل ایراد است؛ چرا که سپردن حل چنین مسئله هایی به دست قاضی آن را از چارچوب قاعده و قانون خارج می‌سازد، در حقوق امروز نمی‌توان به قاضی اختیار داد که به دلخواه حکم صادر کند. دادن اختیار تام به قاضی هرج و مرج، بی عدالتی و تشتت آراء را در پی خواهد داشت. صدور رای قاضی باید مطابق با قوانین مدون صورت گیرد و در صورتی که موفق نشد در قوانین مدون حکمی بیابد می‌تواند رأی را با استناد به منابع موثق اسلامی یا فتواهای معتبر صادر کند. صاحب نظران حقوق هم موظفند با تعمق در منابع موثق فقهی و حقوقی راهکارهایی را بیابند که علاوه بر عادلانه بودن، با فقه و مبانی حقوق سازگار باشد. شکی نیست تا زمانی که در این زمینه خلأ قانونی وجود دارد، قاضی نظر نهایی را در هر مورد اعمال می‌کند. البته این نظر باید بر مبنای برهان‌های حقوقی بوده و با شرایط ویژه هر پرونده سازگار باشد، در حالی که مراد از اعمال ولایت حاکم شرع و قضات بدین گونه باشد قابل قبول است اما با این وجود هم نمی‌توان با متوسل شدن به اصل تخییر و سپس ولایت حاکم شرع باب آرا حقوقی را محدود کرد و فارغ از هرگونه بررسی قانونی و منطقی، نظر قاضی را به عنوان حکم نهایی پذیرفت. اما آنچه که دارای اهمیت است این می‌باشد که معضل تفویض قاضی در خصوص مشخص کردن سبب مزبور عاری از هیچ قرینه و سوء استفاده های ناشی از آن همچنان پابرجاست.^۴

نتیجه‌گیری

^۱ مراغی، العناوین الفقهیه، ۳۵۱.

^۲ مراغی، العناوین الفقهیه، ۳۶۱.

^۳ صفری، «مسئولیت مدنی سبب مجمل»، ۷۹.

^۴ راعی و شریفیان، «تقصیر در مسئولیت مدنی و عدالت»، ۹۵.

در برخورد با پرونده‌های سبب مجمل، قطعاً مسئولیت وجود دارد و مبانی گوناگونی (در فقه و حقوق) برای مسئولیت جمعی اعضای گروه پیشنهاد شده است، از جمله اینکه با استناد به قواعد فقهی چون لاضرر و اتلاف و تسبیب و یا اثبات این مسئله که خسارت وارد شده ناشی از عمل فاعل زیان ایجاد شده، می‌توان خواستار ضرورت جبران خسارت توسط افراد شد. علیرغم دشواری اثبات رابطه سببیت، با توجه به لزوم جبران خسارت ضروری است عامل زیان با دقت بیشتری مسئول شناخته شود، بنابراین تازمانی که به لحاظ عرف نسبت دادن وقوع ضرر ناروا به شخص یا گروهی ممکن باشد، خسارت باید جبران گردد خواه عامل زیان به وضوح معلوم باشد یا اجمالاً علاوه بر قواعد فوق در حقوق موضوعه مبانی (شخصیت گروهی، تقصیر جمعی، اماره مسئولیت) وجود دارد که هر یک دارای معایب و محاسن می‌باشند از این میان به نظر می‌رسد شخصیت حقوقی و تقصیر گروهی دایره محدودتری را شامل می‌شوند. دبه طور کلی به نظر می‌رسد از آنجایی که به هر حال گروه مد نظر کاری انجام داده‌اند یا فقط در مظان انجام آن قرار دارند که سبب خسارت زدن به قربانی شوند و این خسارت هم در صورتی قابل جبران است که تمام افراد با هم مسئول فرض شوند مگر اینکه توانایی اثبات خلاف آن را داشته باشند، لذا به نظر می‌رسد اماره سببیت دارای قوت بیشتری است.

تاکنون روش‌های مختلفی برای جبران خسارت ذکر شده، به نظر نمی‌رسد تغییر قاضی در ایجاب هر یک از اسباب مجمل فراخور باشد چرا که هرج و مرج، بی‌عدالتی و افتراق آراء را در پی خواد داشت. نظریه قرعه بر مبنای باورهای شرعی و وحدت ملاک ماده ۳۱۵ قانون مجازات درست است و با اعمال آن نسبت به پرداخت‌کننده ظلم نخواهد شد؛ با این حال به نظر می‌رسد تا هنگامی که روش‌های دیگر با مبانی حقوقی موجود هستند و تا حد زیادی سبب برقراری عدالت می‌گردد دیگر نیاز به قرعه نیست، با توجه به اینکه موارد بسیاری مختص ادای خسارت از طریق بیت‌المال است به نظر می‌رسد با پرداخت به این شیوه، خسارت آسانتر جبران می‌شود. اگرچه باتوجه به آن که این راهکار مربوط به خسارت‌های فیزیکی است و ادای خسارت از بیت‌المال خلاف اصل است، به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن کلیه جوانب، روشی که بر عقل و عرف مبتنی باشد و به قاعده عدل و انصاف استناد گردد با اصول و مبانی از سازگاری بیشتری برخوردار است.

منابع

قرآن

اصفهانی، شیخ الشریعه. قاعده لا ضرر. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
انصاری، مرتضی بن محمد امین. کتاب المکاسب. قم: کنگره جهانی شیخ اعظم انصاری. چاپ اول،

- بجنوردی، محمدحسین. قواعد فقه. قم: نشر الهادی. جلد ۱، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: کتابخانه گنج دانش. چاپ اول، ۱۳۷۸.
- حرعاملی، محمدبن حسن. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. بیروت: داراحیاء التراث العربی. جلد ۱۷، ۱۴۲۸ ق.
- حسینی شیرازی، محمد. الفقه. قم: دار العلم. چاپ هفتم، ۱۴۰۷ ق.
- خراسانی، محمد کاظم (آخوند خراسانی). قاعده الضرر و الاجتهاد و التقليد. قم: مؤسسه آل البيت (ع). ۱۴۰۴ ق.
- راعی، مسعود، صفر علی شریفیان. «تقصیر در مسئولیت مدنی و عدالت»، فصلنامه معرفت حقوقی. شماره ۱، ۱۳۹۰، ۹۱ تا ۱۲۲.
- زراعت، عباس. «قاعده قرعه»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی. دوره ۴۰، شماره ۱۰۱، ۱۳۹۸، ۹۱ تا ۱۰۷.
- صدر، محمدباقر. بحوث فی علم الأصول. قم: موسسه دایره المعارف فقه اسلامی. جلد ۴، چاپ سوم، ۱۴۱۷ ق.
- صفایی، سید حسین، سید مرتضی قاسم زاده. حقوق مدنی اشخاص و محجورین. تهران: سمت. ۱۳۸۲.
- صفایی، حسین. «مسئولیت مدنی در فرض علم اجمالی به سبب (مطالعه تطبیقی)»، فصلنامه پژوهش حقوقی قم. بهار ۱۳۸۸، شماره ۲، ۲۹ تا ۴۶.
- صفری، محسن. «مسئولیت مدنی سبب مجمل»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. مهر ۱۳۷۹، دوره ۴۹، ۵۶ تا ۸۵.
- عاملی، شهید اول، محمد بن مکی. القواعد و الفوائد. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد. چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
- قنبری، علیرضا - دیانی، عبدالرسول، (۱۴۰۲)، مبانی تعیین وجه التزام در حقوق ایران، مجله پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال ۲۰، شماره ۱.
- کاتوزیان، ناصر. تقریرات درس مسئولیت مدنی تطبیقی. دوره‌ی دکترای حقوق خصوصی. ۱۳۷۸.
- کریمی، محمدباقر. مجموعه استفتائات فقهی و نظریات اداره حقوقی راجع به قتل. تهران: فردوسی. ۱۳۷۷.
- محسنی، حسن، رضا مرادی نژاد. «مطالعه تطبیقی راهکارهای جبران زیان ناشی از سبب مجمل و

- ناشناس در مسئولیت مدنی»، فصلنامه حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹، ۲۹۷ تا ۳۱۶.
- محمدی، ابوالحسن. قواعد فقه. تهران: نشر میزان. چاپ دوازدهم، ۱۳۹۰.
- مراغی، حسینی، میرعبدالفتاح. العناوین الفقهیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
- موسوی خمینی، روح الله. تحریر الوسیله. قم: دارالکتب العلمیه. جلد ۲، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
- میرداداشی، سید مهدی. مسئولیت مدنی موسسات عمومی در حقوق ایران و مصر. قم: دانشگاه مفید. ۱۳۹۳.
- میرمحمد صادقی، حسین. جرائم علیه اشخاص. تهران: نشر میزان. چاپ اول، ۱۳۹۲.
- نجفی، محمد حسن. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دار احیاء. جلد ۳۷، چاپ هفتم، ۱۴۰۴.
- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی. عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی. چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.